



اسلام و دموکراسی در خاورمیانه*

تأثیر جهت‌گیری‌های مذهبی

در گرایش به سمت دموکراسی در چهار کشور عربی

نویسنده: مارک تسلر

تاریخ تأیید: ۱۹ / ۱ / ۸۳

تاریخ دریافت: ۲۸ / ۱۰ / ۸۲

مترجم: مهدی حجت**

مقدمه

گفت‌وگو درباره دموکراسی در جهان عرب اغلب متوجه جهت‌گیری‌های مردان و زنان عادی است، به خصوص که پرسش‌ها چنین مطرح می‌شوند که آیا ایستارها و باورهای عمومی که در راه برقراری دموکراسی مانع ایجاد می‌کنند، ممکن است به این باشد که سنت‌های مذهبی حاکم بر بیشتر کشورهای عربی از ظهور فرهنگ سیاسی دموکراتیک جلوگیری کنند. در حالی که پرسش‌هایی که اغلب و مکرر مطرح می‌شوند درباره دیدگاه‌های شهروندان عادی راجع به چیزی است که گاهی مواقع با عنوان عرب بدوی توصیف می‌شوند و پاسخ‌ها نیز در بیشتر مواقع بر پایه اطلاعات برداشت‌گرایانه (امپرسیونیستی) و روایتی استوار است. به نظر می‌رسد برخی تحلیل‌گران تحت تأثیر پندارهای قالبی غربیان درباره اعراب و مسلمانان هستند و بر عکس، پژوهش‌های تجربی نظام‌مند راجع به ماهیت، پراکندگی و عوامل تعیین‌کننده گرایش‌های سیاسی در جهان عرب نادر است.

* این مقاله از سایت WWW.La.utexas.edu/course اخذ و به فارسی برگردان شده است.

** دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه تهران.



برخلاف این وضعیت، مقاله حاضر در پی بررسی تأثیر و نفوذ اسلام بر گرایش به سمت دموکراسی است که در این زمینه از داده‌های مربوط به افکار عمومی کشورهای فلسطین (کرانه باختری و غزه)، مراکش، الجزایر و مصر استفاده می‌کند. در نظر سنجی‌هایی که توسط محققان عرب یا با همکاری آنها صورت گرفته است، جداول مصاحبه که حاوی پرسش‌هایی درباره نحوه حکمرانی، دموکراسی و همچنین مفاهیم و کنش‌های مرتبط با اسلام است، طوری طراحی شده‌اند که طیف وسیع و نمایانگری از افراد بزرگسال را در این چهار کشور در بر می‌گیرند. این نمونه‌برداری در کشور مصر دو بار صورت گرفته است. این داده‌ها بنیاد تجربی قوی را برای پرداختن به پرسش‌های راجع به رابطه اسلام و دموکراسی در سطح فردی تحلیل فراهم می‌کند.

دموکراسی و فرهنگ سیاسی

برخلاف چند مورد استثنا، جهان عرب در سال‌های اخیر پیشرفت نسبتاً کمی به سمت آزادسازی سیاسی داشته است. برعکس، بسیاری از تجربیات ایجاد دموکراسی که تقریباً یک دهه پیش شروع شدند، یا کاملاً تغییر مسیر داده و یا متوقف شده‌اند. یک محقق برجسته آمریکایی این وضعیت را کاملاً ناامید کننده و ناخوشایند توصیف می‌کند: فروپاشی و نابودی فرآیند آزادسازی در الجزایر، تغییر شکل زیرکانه‌تر اما نه کمتر عمیق تونس به سمت استقرار حکومت پلیسی، بازگشت مجدد مصر به تقلب و دست‌کاری در انتخابات (و سرکوب جنبش‌های سیاسی اسلامی) و روی گردانی آشکار مقامات فلسطینی در پذیرش حقوق بشر.

با وجود این، اهمیت آزادسازی سیاسی و در نهایت دموکراسی را محققان عرب و همچنین غرب مورد تأکید قرار داده‌اند. به عقیده یکی از دانشمندان سیاسی لبنان، اقتدارگرایان بدون مانع و رادع در بسیاری از کشورهای عربی راه را برای ظهور بحرانی عمیق در تار و پود جامعه فراهم می‌سازند. به همین سیاق، یک روزنامه‌نگار اردنی می‌نویسد که یکی از اصلی‌ترین منابع بی‌ثباتی و اعوجاج سیاسی، اقتصادی در جهان عرب، کاربرد بدون مانع و رادع قدرت دولت، همراه با توان بوالهوسانه دولت در کاربرد قانون برای رسیدن به اهداف سیاسی خود است. از این رو یک جامعه‌شناس مصری استدلال می‌کند که باید اصلاحات سیاسی صورت گیرد؛ در غیر این صورت با خطر واقعی هرج و مرج سیاسی مواجه خواهیم بود. محقق مصری دیگری نیز افسوس می‌خورد و می‌گوید اگر چه در دوران جوانی رؤیای دموکراسی در سر داشتیم، اما اکنون می‌بینم که کشور ما از حیث سیاسی در حال پس رفت است.

مطالعات مربوط به تحولات دموکراتیک و تحکیم و تقویت دموکراتیک، دو ملاحظه تحلیلی مجزا

را مشخص می‌کند که باید به آنها توجه شود. یکی از آن دو به نهادها و فرآیندهای سیاسی مربوط می‌شود و دیگری ایستارها و ارزش‌های شهروندان را در بر می‌گیرد که اغلب با عنوان فرهنگ سیاسی از آن یاد می‌شود. ملاحظات نهادی و فرآیندی مستلزم توجه به لزوم وجود مکانیزم‌هایی هستند، از جمله انتخابات آزاد، رقابتی و منظم که رهبران سیاسی را در مقابل مردم تحت امرشان مسؤولیت پذیر و پاسخگو می‌کنند. فرهنگ سیاسی خواهان توجه به جهت‌گیری‌های مردان و زنان عادی و تا آن جا که به دموکراسی مربوط می‌شود، به لزوم توسعه و گسترش هنجاری‌های مدنی و مشارکتی در سطح شهروندان است.

اهمیت فرهنگ سیاسی - که کانون توجه پژوهش حاضر است - در مطالعات تجربی بسیاری که در دموکراسی‌های جدید انجام گرفته، به اثبات رسیده است؛ برای مثال این مطلب در جمع‌بندی مین‌وارینگ، از دلایل استحکام بیشتر دموکراسی در آمریکای لاتین در مقایسه با بسیاری از دیگر مناطق در حال توسعه نشان داده شده است. عامل مهمی که در پایداری بیشتر دموکراسی‌ها در آمریکای لاتین دخیل بوده، روی تغییر و دگرگونی در نگرش‌های سیاسی نسبت به اعتبار بیشتر دموکراسی متمرکز است. چو، دایموند و شین ارزیابی مشابهی را در مطالعه خود از کره و تایوان ارائه می‌دهند. این سه معتقدند تحکیم و تقویت تحولات دموکراتیک مستلزم وجود باور مستمر و درونی شده و تعهد به مشروعیت دموکراسی در میان همه شهروندان است؛ از این رو، همان طور که انگلهارت به تلخیص آورده، دموکراسی به آسانی از طریق ایجاد تغییرات نهادی و یا اتخاذ تدابیر و تمهیدات ماهرانه در سطح نخبگان به دست نمی‌آید. بقای آن بر ارزش‌ها و باورهای شهروندان عادی نیز بستگی دارد. هاریک قابلیت اطلاق این نتیجه‌گیری به جهان عرب را یادآور می‌شود، و در نهایت می‌نویسد: البته یک حکومت دموکراتیک به فرهنگ سیاسی دموکراتیک نیاز دارد و بالعکس. تحقیق در دموکراسی‌های جدید نیز اهمیت ایستارها و ارزش‌های ویژه‌ای که برای استقرار دموکراسی موفق ضروری و لازم هستند، را نمایان می‌کند؛ برای مثال رز، میشلر و هارپ‌فر یادآور می‌شوند که جهت‌گیری‌های مطرح شهروندان حاوی هم حمایت و پشتیبانی برای نهادهای سیاسی دموکراتیک و ارزش‌های دموکراتیکی نظیر تساهل در برابر تنوع و دگرگونی، و هم ارزش‌گذاری برای رقابت سیاسی و پلورالیسم است. طبق نظر گیسون، شهروند دموکراتیک کسی است که به آزادی فردی ایمان دارد، از نظر سیاسی متساهل است، بی‌اعتمادی به خصوصی به اقتدار سیاسی دارد اما همزمان به شهروندان همتای خود خوشبین است، مطیع است اما با وجود این خواهان تصریح حقوق خود در برابر دولت است، و دولت را محدودیتی قانونی می‌داند.



دموکراسی مردان و زنان عادی عرب صورت گرفته است. تحقیقاتی که در این زمینه صورت گرفته در آنها از داده‌های افکار عمومی کشور فلسطین استفاده شده است. همچنین بررسی‌هایی راجع به ایستارهای سیاسی در حوزه‌های محدودتر و مرتبط با کشورهای لبنان، مصر و اردن انجام گرفته است. با این حال، پژوهشگران علوم سیاسی خاورمیانه به نبود چنین تحقیقاتی اشاره کرده و از آن اظهار تأسف کرده‌اند. پژوهش حاضر با تکیه بر داده‌های افکار عمومی از چهار کشور عرب و طرز تلقی‌های موجود در خصوص دموکراسی به عنوان متغیر وابسته، در صدد کمک به پر کردن این شکاف مهم است.

مذهب و سیاست

تا چه اندازه جهت‌گیری‌های مذهبی، دوگانگی طرز تلقی‌ها در مورد دموکراسی در جهان عرب را تبیین می‌کند؟ دو دسته آثار محققان کاملاً متفاوت برای دست‌یابی به برداشت‌های مناسب ملاحظه می‌شوند و یافته‌های مطالعه حاضر ممکن است در هر یک از این دو دسته آثار تأثیر داشته باشد: اولی به رابطه بین اسلام و دموکراسی می‌پردازد و کانون توجه آن بیشتر موضوعات مرتبط با آموزه‌ها و اندیشه سیاسی است؛ دومی مشتمل بر مطالعات تجربی است که تأثیر و نفوذ مذهب و مذهبی بودن بر گرایش‌های مختلف سیاسی در کشورهای غربی را ارزیابی می‌کند. درباره رابطه بین اسلام و دموکراسی گفت‌وگوهای زیاد و اختلافات فراوانی وجود دارد. با این که در برخی مواقع پندارهای قالبی مطرح می‌شوند، اما پرسش‌های مربوط به تأثیر و نفوذ اسلام در خور و مناسب هستند. پیوند تاریخی نیرومندی بین مذهب و سیاست در جهان اسلام وجود دارد که منعکس‌کننده سرشت اسلام به مثابه مذهبی حقوقی است که هم برای ساماندهی اجتماعی و هم اخلاق فردی قانون دارد؛ از اینرو، اسلام در شکل‌دهی فرهنگ سیاسی نقشی حیاتی دارد؛ نقشی که هیچ یک از کشورهای مسلمان خاورمیانه قادر نیستند تا به طور کامل از گستره فراگیر آن بگریزند. این پژوهش در ادامه معتقد است به احتمال فصل مشترک فرهنگ و سیاست در مقایسه با متون (غیر اسلامی) دیگر فراگیرتر باشد.

بعلاوه، اسلام طی ربع آخر قرن گذشته به طور روزافزونی در زندگی فرهنگی و سیاسی اعراب حضور داشته است. از یک طرف، اجتماعات جدید مسلمانان، گروه‌های پژوهشی، سازمان‌های رفاهی، مؤسسات مالی، توأم با رشد سریع ظهورات دین‌داری فردی نظیر حضور در مساجد و اعمال عبادی جمعی به وجود آمدند؛ از طرف دیگر، اسلام در مباحثات مربوط به چگونگی حکمرانی در جهان عرب، به مرجعی پراهمیت تبدیل شده است. سازمان‌های سیاسی اسلامی در مبارزه خود با

توسل به شعار «اسلام راه حل است»، موفقیت چشمگیری در جذب پیروان جدید از جمله جوانان، زنان، همچنین مردان و شمار زیادی از اشخاص تحصیلکرده و فرهیخته به دست آورده‌اند. در رابطه با دموکراسی، برخی ناظران به خصوص ناظران غربی، ادعا می‌کنند که دموکراسی و اسلام با یکدیگر سازگارند. آنها استدلال می‌کنند در حالی که دموکراسی مستلزم فضای باز، رقابت، پلورالیسم و رواداری اختلافات است، اسلام همسانی فکری و پذیرش غیرانتقادی اقتدار را ترویج و تشویق می‌کند. نکته مهم دیگر، این که گفته می‌شود اسلام ضد دموکراسی است، زیرا حاکمیت را به خدا واگذار می‌کند که منبع اصلی استبداد سیاسی است، و همچنین تمام احکام و مقررات مربوط به نحوه اداره و حکمرانی جامعه مؤمنان باید از قوانین مقدس الهی اخذ شود. در نظر برخی از محققان، این تحلیل بدان معناست که اسلام در نهایت به طور حتم در دولتی توتالیتر تجسم می‌یابد. خدوری محقق برجسته جهان عرب و اسلام در کتاب *دموکراسی و فرهنگ سیاسی عرب* بیان نیرومندی از این نظریه را ارائه می‌دهد. او می‌نویسد: انگاره حاکمیت مردم به عنوان بنیاد مشروعیت حکومت، ایده نمایندگی یا انتخابات، حق رأی مردم، نهادهای سیاسی که به واسطه قوانینی که به تصویب مجالس قانون‌گذاری می‌رسند به قاعده در می‌آیند، حفاظت و پاسداری این قوانین توسط قوه قضاییه مستقل، ایده‌های مربوط به سکولار بودن دولت، جامعه متشکل از انبوهی از گروه‌ها و انجمن‌های خودکنش‌گر - تمام این‌ها با سنت اسلامی عمیقاً بیگانه‌اند.

اما بسیاری دیگر این نظر را رد می‌کنند که اسلام مخالف تلاش برای دستیابی به دولتی پاسخگو و مسؤولیت‌پذیر محسوب می‌شود. آنها متذکر می‌شوند اسلام وجوه و نظرات زیادی دارد تشریح تک بعدی این مذهب را قویاً مورد تردید قرار می‌دهد. آنها همچنین اشاره می‌کنند به این که تنوع چشمگیری در تفسیرهایی که محققان و متألهان مسلمان از قوانین مذهبی ارائه می‌دهند وجود دارد. در میان اینها اظهاراتی در حمایت از دموکراسی وجود دارد که برخی از این اظهارات متعلق به نظریه‌پردازان برجسته اسلامی است. سرانجام این که آنها مصرانه ادعا می‌کنند فضای باز، تساهل و نوآوری‌های پیشرو و مترقیانه در میان سنت‌های همبسته با این مذهب به خوبی نمایان هستند و بنابراین کاملاً با اسلام سازگارند. چنین ارزیابی‌هایی در «مرکز مطالعه اسلام و دموکراسی» که به تازگی تأسیس شده بیان نهادی به خود گرفته است. این مرکز در سال ۲۰۰۰ دو کنفرانس بین‌المللی برگزار کرد که در آن متفکران و محققان پنج کشور جهان در پی نشان دادن این نکته بودند که گوهر اسلام ضد دموکراتیک نیست؛ به بیان دقیق‌تر، اینان استدلال می‌کردند که دلیل فقدان حکومت دموکراتیک در بخش عمده‌ای از جهان عرب را باید در نیروهای تاریخی و اقتصادی جست.



باید به دنبال عناصری بود که با دموکراسی ناسازگار و هم عناصری که با دموکراسی سازگارند. این خود بدین معناست که نفوذ مذهب تا حد بسیار زیادی بستگی دارد به این که چگونه و چه کسی آن را تفسیر کند. در بسیاری از مسائل تفسیر واحد و پذیرفته شده‌ای وجود ندارد، حتی توافقی بر سر این که چه کسی از جانب اسلام سخن می‌گوید وجود ندارد. بعلاوه، در باب انگیزه‌های برخی مراجع مذهبی تردیدهای جدی ابراز شده است؛ همان طور که یکی از محققان عرب می‌گوید نمونه‌های فراوانی از دست‌کاری علما و آموزه‌های مذهبی وجود دارد که بیشتر به دلیل انگیزه‌های سیاسی و نه ملاحظات مذهبی صورت گرفته است. آنها تفسیرهای نظری ای را ارائه داده‌اند که تفسیراً برای توجیه رفتار مقامات سیاسی طرح ریزی شده‌اند. تمام این نکات بر لزوم انجام تحقیقات تجربی روشمند راجع به ارتباط بین جهت‌گیری‌های مذهبی و فرهنگ سیاسی در جهان عرب و جهان اسلام تأکید دارد. شمار اندک اما رو به رشدی از مطالعات با تکیه بر داده‌های مربوط به افکار عمومی جوامع غربی به دنبال این ارتباط بوده‌اند. یافته‌های این پژوهش‌ها کاملاً منسجم و بی‌تناقض نیستند. همچنین مطالعاتی که در آنها طرز تلقی‌هایی در مورد دموکراسی متغیر وابسته باشد وجود ندارند. اما این دسته از ادبیات، گواهی هستند بر این که چرا و چگونه مذهب و مذهبی بودن برگرایش‌های سیاسی تأثیر می‌گذارند. یک نتیجه‌گیری این است که دل‌بستگی‌های عمیق مذهبی معمولاً به دیدگاه‌های سیاسی بیشتر محافظه کارانه منجر می‌شود؛ برای مثال تعدادی از این مطالعات که در ایالات متحده صورت گرفته نشان می‌دهد که مذهبی بودن افراد شدیداً و به طور قطع با اتخاذ موضع محافظه کارانه در قبال مسائل مربوط به سیاست عمومی رابطه دارد، به خصوص زمانی که این مسائل حاوی بعدی اخلاقی یا معنوی باشند. مطالعه‌ای دیگر که داده‌های آن نیز از ایالات متحده است، به این نتیجه انجامیده که مذهبی بودن به معنای تأکید بر معنای تحت الفظی کتاب مقدس و تمایل به کشف و پیروزی از رهنمودهای مذهبی، به طور قطع با ضدیت با کمونیسم و حمایت از هزینه‌های نظامی و دفاعی بسیار بالا ارتباط دارد. همچنین تحقیقات بر اساس پژوهش پیمایشی در ایالات متحده نشان داده که این گرایش‌های بازی (ستیزه جویانه) در سیاست خارجی در میان افرادی که دارای باورهای قوی انجیلی (عهد جدید) هستند فراگیرتر است.

از طرف دیگر، مطالعه‌ای که داده‌هایش از اروپاست، نشان می‌دهد که مذهبی بودن به طور قطع با سطوح بالایی از بین‌المللی‌گرایی و به خصوص حمایت بیشتر از روند ادغام و یکپارچگی اروپا و کمک به کشورهای در حال توسعه ارتباط دارد. در این مورد، مذهبی بودن به میزانی که پاسخ دهندگان اظهار می‌کردند که مذهب در شکل دهی دیدگاه‌های شخصی آنها مهم بوده، اندازه‌گیری می‌شد. تحقیقی بر پایه داده‌های پیمایشی برگرفته از دوازده کشور اروپایی، رابطه مستقیم و مثبتی را بین

مذهبی بودن و حمایت از امنیت نظامی در سه کشور، رابطه مستقیم اما منفی بین این متغیرها در دو کشور، و رابطه مثبت اما غیرمستقیم را در هفت کشور نشان می‌دهد.

اظهار نظر نهایی که برای آن شواهدی وجود دارد این است که قدرت تبیینی مذهب احتمالاً تابعی از خصوصیات جمعیت شناختی متفاوت است؛ برای مثال پژوهشی براساس داده‌های برگرفته از شش کشور اروپایی حاکی است که مذهب، متغیر مستقلی است که در میان زنان بارزتر از مردان است. ظاهراً به این دلیل که زنان مذهبی تر هستند و احتمالاً بیشتر تحت تأثیر تعلیمات مذهبی شان قرار می‌گیرند؛ البته همان گونه که آن را می‌فهمند. اگر چه بر لزوم انجام مطالعات بیشتر تأکید می‌شود، اما مؤلفان چنین فرض می‌کنند که سطح بالای مذهبی بودن در میان زنان در محافظه کارتر بودن آنها نسبت به مردان نقش دارد.

هیچ کدام از این دسته آثار محققانه این مسأله را تبیین نمی‌کند که آیا و چگونه طرز تلقی‌ها از دموکراسی تحت تأثیر جهت گیری‌های مذهبی افراد مسلمان جوامع عرب قرار خواهند گرفت؟ اما هر دو، از یافته‌های تحقیق تجربی بیشتر بهره خواهند برد. چنین تحقیقی این پتانسیل را دارد که اطمینان را به نفع این یا آن موضع‌گیری در مباحثات راجع به این که آیا اسلام مانعی برای استقرار دموکراسی است یا حداقل مانعی برای ظهور گرایش‌های طرفدار دموکراسی در میان شهروندان عادی است، بیشتر کند. همچنین بعد تطبیقی تلاش‌های علوم اجتماعی را، برای تعیین ماهیت، میزان و جایگاه روابط بین مذهب و گرایش‌های سیاسی به طور گسترده توسعه خواهد بخشید.

داده‌ها و برآوردها

پژوهش حاضر از داده‌های پیمایشی برگرفته از کشورهای فلسطین، مراکش، الجزایر و مصر برای بررسی رابطه بین اسلام و دموکراسی در سطح فردی تحلیل استفاده می‌کند. این نظر سنجی‌ها بین سال‌های ۱۹۸۸ تا ۱۹۹۶ صورت گرفته است. با وجود برخی کاستی‌های غیرقابل قبول، آنها بنیاد تجربی استواری را برای ارزیابی این که آیا و چگونه جهت‌گیری‌های مذهبی بر طرز تلقی‌های شهروندان عادی در جهان عرب در قبال نحوه حکمرانی تأثیر می‌گذارند، فراهم می‌کنند.

نظر سنجی در کشور فلسطین در اگوست ۱۹۹۵ توسط مرکز تحقیق و پژوهش درباره فلسطین در نابلس تحت نظارت مدیر آن دکتر خلیل شقاقی و رئیس بخش سرشماری آن دکتر نذیر سعید انجام گرفته است. برای انتخاب پاسخ دهندگان، از رویه چند مرحله‌ای تکنیک‌های نمونه برداری احتمالی استفاده شده است و جدول مصاحبه‌ها طوری ارائه شده که نمونه‌برداری از ۱۱۸۴ نفر که در کرانه باختری و غزه سکونت دارند بیشترین بازنمایی را داشته باشد. غیراز چهار درصد از مسیحیان، تقریباً



تمام پاسخ دهندگان از مسلمانان سنی مذهب هستند. مرکز تحقیق و پژوهش درباره فلسطین از زمان موافقت نامه اسلو در سپتامبر ۱۹۹۳ هر ۶ تا ۸ هفته یک نظر سنجی عمومی برگزار کرده و به طور روزافزون روش های دقیق تری را برای ابزارهای پیمایشی پیش آزمونی، گزینش پاسخ دهندگان و آموزش مصاحبه گران توسعه داده است.

نظر سنجی های شمال آفریقا در مراکش و الجزایر در اواخر سال ۱۹۹۵ و اوایل ۱۹۹۶ با همکاری و کمک مؤسسه آمریکایی مطالعات مغرب صورت گرفته است. یک گروه تحقیقی بین المللی مرکب از پنجاه دانشمند علوم اجتماعی از مراکش، الجزایر، تونس و ایالات متحده این پروژه را سرپرستی می کردند. در هر یک از کشورها تقریباً نظر سنجی یکسانی صورت گرفته و تمام گروه های ملی حداقل متشکل از محققانی از سه رشته دانشگاهی مختلف بودند. این گروه ها به طور منظم توانسته اند طی یک دوره سه ساله از عهده این پروژه برآمده و سپس وجوه مفهومی و هم روش شناختی آن را بیرون بکشند. نظر سنجی ها در رباط مراکش، و اوران الجزایر انجام گرفته است. اگر چه داده ها تنها به یک شهر در هر کشور محدود است، اما نمونه ها دقیقاً و با احتیاط و به صورت تصادفی از بین هزار خانوار در هر شهر گزینش شده اند، از این رو نمایانگر کل جمعیت و نیز ناهمسانی آن هستند. رباط و اوران از مراکز عمده شهری با تقریباً یک میلیون نفر سکنه و دارای جمعیتی متنوع از حیث ثروت، سبک زندگی، فرهنگ و الگوهای سکونت هستند. این دو شهر که از مراکز مهم اداری، مالی و تجاری به شمار می روند هر کدام مهاجران زیادی از مناطق روستایی، شهرها و دهکده های کوچک را در خود جا داده اند.

در این نظر سنجی ها رویه چند مرحله ای مبتکرانه ای برای گزینش پاسخ دهندگان اتخاذ شد. یک سری از پرسش ها به رئیس هر یک از خانوارها که به صورت تصادفی گزینش شده بودند داده شد و یک سری دیگر از پرسش ها با گرایش های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی به دومین عضو تصادفاً انتخاب شده هر خانوار داده شد، و یک مجموعه الحاقی از پرسش های مربوط به باروری و تنظیم خانواده از همه زنان خانوار که در سنین بچه دار شدن هستند پرسیده شد. دقت های فراوانی در آموزش مصاحبه گران که بیشتر از دانشجویان بودند صورت گرفت.

در مورد مصر دو نظر سنجی وجود دارد. نخستین آن در اواسط سال ۱۹۸۸ تحت سرپرستی دکتر جمال سویدی صورت گرفت. سویدی هم اکنون مدیر مرکز مطالعات استراتژیک و پژوهش ابوظبی است و این پروژه را با همکاری مؤلف فعلی آن طرح ریزی کرد. براساس نمونه برداری طبقه ای از ۲۹۵ فرد بالغ در قاهره، پاسخ دهندگان کاملاً ماهیت تنوع و ناهمسانی جمعیت شهر را بازتاب می دهند. نمونه ها دربردارنده تقریباً تعداد برابری از مردان و زنان هستند و علی رغم کم نمایی کم

اهمیت افراد بی‌بضاعت و کمتر تحصیل کرده، از حیث سن، آموزش، موقعیت اجتماعی - اقتصادی و محل سکونت کاملاً نمایانگر هستند. به منظور تسهیل در مقایسه مردم مسلمان سنی مذهب در دیگر کشورهای عرب، مسیحیان مصری از نمونه‌برداری بیرون گذاشته شدند. مصاحبه‌ها را دانشجویان دانشگاه و کارمندانی انجام دادند که به مدت چهار روز کلاس‌های توجیهی دیده و سپس در یک آزمون برای بررسی میزان مهارت‌شان شرکت کردند.

نظر سنجی دوم مصر در قاهره و بندر اسکندریه در اواخر سال ۱۹۹۲ انجام گرفت. این نظر سنجی را مؤسسه بازار پژوهشی، مستقر در شهر امان کشور اردن که طرف قرار داد با آژانس اطلاعات ایالات متحده است انجام داد. نمونه برداری احتمالی منطقه‌ای که مستلزم سیر تصادفی است، در هر دو شهر به کار برده شد و از چهارصد نفر در قاهره و صد نفر در بندر اسکندریه مصاحبه به عمل آمد. مطالبی که احتمالاً برای ارزیابی طرز تلقی افراد از دموکراسی مورد استفاده قرار می‌گیرد در چهار مجموعه داده‌ها متفاوت هستند. نظر سنجی فلسطین حاوی شماری از پرسش‌ها درباره اهمیت عملکردهای دموکراتیک است، از جمله مسؤولیت‌پذیری حکومت و پارلمان انتخابی که نمایانگر گرایش‌های سیاسی مختلف است؛ نظر سنجی‌های مراکش و الجزایر که از همان برنامه مصاحبه‌ای استفاده کرده، از پاسخ‌دهندگان خواسته که اهمیت گشوده بودن رهبران سیاسی در برابر ایده‌های سیاسی مختلف نسبت به دیگر ضوابط، و اهمیت توسعه و گسترش نهادهای دموکراتیک نسبت به دیگر اولویت‌های عملی حکومت را ارزیابی کنند، نظر سنجی ۱۹۸۸ مصر حاوی پرسش‌هایی درباره الگوی برتر حکومت است. برای مثال از پاسخ‌دهندگان خواسته شده که نظام‌های پارلمانی و لیبرالی دموکراسی را نسبت به دیگر صورت‌بندی‌های سیاسی و ایدئولوژیکی از جمله سوسیالیسم، ناسیونالیسم عرب و حکومت اسلامی ارزش‌گذاری کنند؛ سرانجام نظر سنجی ۱۹۹۲ مصر از پاسخ‌دهندگان خواسته که اهمیت داشتن انتخابات آزاد و رقابتی را در کشورشان ارزیابی کنند. این سؤالات در جدول شماره یک آمده است.

به جز نظر سنجی سال ۱۹۹۲ مصر، تحلیل عاملی سؤالات جدول شماره یک را از مجموعه بزرگ‌تری از پرسش‌های واقع در هر برنامه مصاحبه که به منظور سنجش طرز تلقی افراد از دموکراسی بوده، انتخاب می‌کند. تحلیل عاملی مواردی را که همگرا هستند و بنابر این مفهوم زیربنایی یکسانی را ارزیابی می‌کنند و بدین وسیله اعتماد به روایی و اعتبار را افزایش می‌دهند، مشخص می‌کند. اعتماد با عنایت به این واقعیت که نظر سنجی‌های مراکش و الجزایر نتایج یکسانی در پی داشتند. بیشتر افزایش می‌یابد. تنها در نظر سنجی سال ۱۹۹۲ مصر نشان دادن نشانه اعتبار و درستی ناممکن بود. این نظر سنجی تنها حاوی یک مطلب مربوط به دموکراسی بود.



تحلیل‌های عاملی همچنین در همه موارد حاوی سؤالاتی راجع به اسلام بوده و این مهم است که این دو بعد یکسان در هر چهار مورد، یعنی جاهایی که این تکنیک به کار برده شده، نمایان گردید: یک بعد بر پایه پرسش‌های مربوط به دین‌داری شخصی از جمله نمازخواندن قرار دارد و بعد دیگر بر پایه سؤالات مربوط به نقش سیاسی اسلام از جمله پرسش‌های مربوط به جنبش‌های سیاسی اسلامی، درگیری سیاسی رهبران مذهبی و رهنمودهای اسلام در امور عمومی قرار دارد. در نظر سنجی ۱۹۹۲ مصر تنها یک سؤال راجع به مذهب وجود داشت. در این سؤال از پاسخ‌دهندگان پرسیده شده که آیا آنها موافق هستند که کشورشان همواره طبق قوانین و ارزش‌های اسلام هدایت شود یا خیر؟ (جدول شماره یک)

تحلیل و یافته‌ها

متغیر وابسته در این تحلیل طرز تلقی افراد از دموکراسی است. این متغیر در فلسطین، مراکش، الجزایر و مصر در سال ۱۹۸۸ از طریق شاخص جمع‌پذیر تدوین شده از سؤالات بجایی - که در جدول شماره یک نشان داده شده - ارزیابی گردیده است. در هر مورد، پاسخ‌ها به دو دسته تقسیم و سپس جمع زده شده‌اند. براساس این برآوردها، جدول شماره دو برای هر یک از مجموعه داده‌ها نسبت پاسخ‌دهندگانی که به درجات مختلف برای دموکراسی اهمیت قائل شده‌اند را نشان می‌دهد. این جدول همچنین پاسخ‌های داده شده به سؤال واحدی را نشان می‌دهد که طرز تلقی افراد از دموکراسی را در نظر سنجی ۱۹۹۲ مصر ارزیابی می‌کند. چنین رویه‌های مشابهی برای ساخت شاخص‌های جمع‌پذیر که دین‌داری شخصی و طرز تلقی افراد از نقش اسلام در امور سیاسی و عمومی را ارزیابی می‌کند، به کار برده شده است. (جدول شماره دو).

تفاوت‌های زیاد مجموعه داده‌ها که در جدول شماره دو نشان داده شده، حداقل بخشی ناشی از تفاوت ابزارهای پیمایشی به کار برده شده است. اما این جدول نشان می‌دهد که در درون هر یک از جمعیت‌های موضوع نظر سنجی، چندسانی قابل توجهی نیز وجود دارد. برای تعیین این که آیا جهت گیری‌های مذهبی برای توجیه این چندسانی مفید هستند، تحلیل رگرسیون برای بررسی رابطه بین گرایش به دموکراسی و هر یک از دو بعد اسلام مشخص شده توسط تحلیل عاملی به کار برده شده است. سن و آموزش به عنوان متغیرهای کنترلی در نظر گرفته شده‌اند و الگوها نه تنها در مورد کل نمونه‌ها بلکه در مورد زیرنمونه‌هایی بر مبنای جنسیت نیز اعتبار دارند.

در این راستا ابتدا به مورد فلسطین می‌پردازیم. تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد که دین‌داری شخصی به طرزی معکوس با حمایت و پشتیبانی از دموکراسی مرتبط است، در حالی که خواست نفوذ

و تأثیر مذهب در امور سیاسی از حیث آماری تا میزان قابل ملاحظه‌ای با متغیر وابسته ما ارتباطی ندارد. اما عدم تجمع داده‌ها آشکار می‌کند که این الگو ویژگی‌های زنان و نه مردان را ترسیم می‌کند. بعلاوه این مطلب از زنان کرانه باختری و نه زنان نوار غزه به دست می‌آید. این یافته‌ها در جدول شماره سه ارائه شده که ضرایب‌های استاندارد شده رگرسیون را نشان می‌دهد، چه این که شاخصه‌های گرایشی، مرکب از واحدهای استاندارد و متعادل اندازه‌گیری نیستند. این جدول همچنین آمارهای «تی» و درجه معناداری را بیان می‌کند. (جدول شماره سه).

در مورد مراکش هیچ رابطه آماری بین گرایش به دموکراسی و دین داری شخصی وجود ندارد، اما حمایت و پشتیبانی از رهنمودهای اسلام در امور عمومی قویاً با متغیر وابسته ما ارتباط دارد. به خصوص سطوح بالای حمایت و پشتیبانی از رهنمودهای اسلام با سطوح پایینی از اهمیتی که برای هنجارها و نهادهای دموکراتیک قائل شده‌اند، رابطه دارد. (این الگو در جدول شماره چهار نشان داده شده است). دو تحلیل دیگر بینش‌های بیشتری را در اختیار می‌گذارند. تحلیل نخست اندازه‌گیری مقیاسی طرز تلقی افراد از رهنمودهای اسلام را با دو سؤال اساسی‌اش جایگزین می‌کند؛ یکی از پرسش‌ها درباره سیاست و دیگری از اقتصاد و تجارت. رگرسیون در این مورد نشان می‌دهد که سؤال مربوط به رهنمودها در امور اقتصادی و تجاری قدرت تبیینی تحلیل مقیاسی را فراهم می‌کند، و این از حیث آماری در مدل رگرسیون جدید با اهمیت باقی می‌ماند؛ در حالی که سؤال مربوط به رهنمودها در امور سیاسی و حکومتی اهمیت آماری خود را از دست می‌دهد. دومین تحلیل دربرگیرنده تحلیل مجزایی است که برای مردان و زنان در نظر گرفته شده و نشان می‌دهد که الگوی قبلاً ارائه شده، برای زنان و نه مردان صادق است. این یافته‌ها نیز در جدول شماره چهار نشان داده شده است. (جدول شماره چهار).

یافته‌های موردالجزایر شبیه یافته‌های مراکش است. حمایت و پشتیبانی از رهنمودهای اسلام به طور معکوس با گرایش‌های دموکراتیک از حیث آماری تا حد زیادی مرتبط است. همچنین مانند مورد مراکش، رهنمودهای اسلام در امور اقتصادی و تجاری و نه سیاسی و حکومتی با اهمیت تلقی شده است؛ زمانی که سؤالات فردی در تحلیل داخل می‌شود، و این رابطه در این جا نیز دوباره برای زنان و نه مردان صادق است؛ زمانی که داده‌ها بر اساس جنسیت نافرهم می‌شود. بعلاوه دین داری شخصی به طور معکوس، البته تنها در مورد زنان، با گرایش‌های دموکراتیک ارتباط دارد. این یافته‌ها در جدول شماره پنج آمده است. (جدول شماره پنج).

داده‌های سال ۱۹۸۸ مصر نشان می‌دهد که دین داری شخصی، با وجود عدم حمایت و پشتیبانی از وجود رابطه قوی بین مذهب و سیاست، به طور معکوس با میزان اهمیت قائل شدن برای

دموکراسی رابطه دارد. همچنین مانند موارد پیشین از حیث آماری این رابطه معنادار در مورد زنان و نه مردان صادق است. داده‌های ۱۹۹۲ مصر حاوی سؤالی نیست که مذهبی بودن شخصی را مورد ارزیابی قرار دهد. تنها سؤالی که به مذهب می‌پردازد حمایت و پشتیبانی از اسلام سیاسی را ارزیابی می‌کند، و مانند داده‌های ۱۹۸۸ مصر، این متغیر رابطه‌ای با گرایش به سمت دموکراسی ندارد. البته این نمونه ای است که در مورد هم زنان و هم مردان و نیز ساکنان بندر اسکندریه و قاهره صدق می‌کند. یافته‌ها از داده‌های ۱۹۸۸ در جدول شماره شش آمده و یافته‌های داده‌های ۱۹۲۲ مصر در جدول شماره هفت آمده است. (جدول شماره شش و هفت)

نتیجه

بر اساس این یافته‌ها سه دسته از نتایج احتمالی را می‌توان عرضه کرد. همه آنها سؤالاتی را مطرح می‌کنند که شایسته انجام تحقیقات بیشتری است. نخست این که علی‌رغم وجود شماری روابط معنادار از حیث آماری، چنین به نظر می‌آید که اسلام اغلب کمتر از آنچه پژوهشگران جوامع عرب و اسلامی مطرح می‌کنند، در طرز تلقی‌های سیاسی افراد نفوذ دارد. به خصوص در کامل‌ترین مدل‌ها که در جداول ۳-۷ آمده، و در آن پاسخ‌دهندگان زن و مرد به طور جداگانه مورد مصاحبه قرار گرفته‌اند، جهت‌گیری‌های مذهبی از ۲۲ مورد تنها در پنج مورد حاوی روابط معناداری از حیث آماری با متغیر وابسته هستند. البته مطالعه حاضر هم از حیث زمانی و هم مکانی محدود است؛ همچنین به سطح فردی تحلیل محدود شده است. با وجود این، قویاً بر این نکته تأکید می‌کند که اسلام نباید زمانی که سعی می‌شود تا جهت‌گیری‌های سیاسی اعراب را تبیین کنیم تنومند شود و به خصوص گواهی است بر این که حمایت و پشتیبانی از دموکراسی ضرورتاً در میان افرادی که شدیدترین دلبستگی‌های اسلامی را دارند کمتر نیست. برعکس، کسانی را تأیید می‌کند که تز «اسلام مانع ظهور گرایش‌های سیاسی هادی دموکراسی است» را به چالش می‌کشند.

دوم این که جایگاه این روابط از حیث آماری معنادار یا غیر معنادار در خور توجه است. سه الگوی مشخص وجود دارد. یکی از این‌ها تفاوت‌های مربوط به جنسیت را لحاظ می‌کند؛ در حالی که در اغلب موارد هیچ رابطه‌ای بین دلبستگی‌های اسلامی و گرایش به سمت دموکراسی وجود ندارد. تمام پیش‌بینی‌های این الگو در میان زنان یافت می‌شود.

دین‌داری شخصی در میان زنان کرانه باختری، الجزایر و مصر ۱۹۸۸، قدرت تبیین‌کنندگی دارد، اگر چه این مطلب در مورد زنان غزه و مراکش صدق نمی‌کند. دلبستگی‌های شدیدتر اسلامی به طرز معکوس با حمایت و پشتیبانی از دموکراسی در هر یک از این موارد ارتباط دارد. اگر چه برای

فهم دلایل این الگو نیاز به تحقیقات بیشتری است، اما به نظر می‌رسد زنان مسلمان تا اندازه‌ای احتمالاً بیشتر از مردان در خصوص امور سیاسی از مذهب راهنمایی می‌گیرند. این ممکن است به این دلیل باشد که مردان درگیر زندگی در بیرون از منزل هستند و اطلاعات مربوط به مسائل سیاسی را از منابع وسیع‌تری کسب می‌کنند، در حالی که زنان تا حد بسیار زیادی فقط به مذهب متکی هستند. الگوی به دست آمده دیگر این است که حمایت و پشتیبانی از اسلام سیاسی و رهنمودهای مذهب در امور سیاسی قدرت تبیین‌کنندگی کمی دارد. تنها در میان زنان مراکش و الجزایر و فقط در رابطه با رهنمودهایی در امور اقتصادی و تجاری، و تا اندازه‌ای سیاسی و حکومتی برآوردهای درخوری وجود دارد که به شدت با گرایش‌های دموکراتیک رابطه دارد. این امر حاکی از این است که حمایت و پشتیبانی از اسلام سیاسی مستلزم انکار دموکراسی نیست و این که آنهایی که در مورد جنبش‌ها و خطی‌مشی‌های اسلامی نظر مساعدی دارند، احتمالاً کمتر از دیگران از رقابت سیاسی و مکانیزم‌های مطلوبی که رهبران را پاسخگو و مسؤولیت‌پذیر نگه می‌دارد، حمایت و طرفداری نمی‌کنند. بنابراین حداقل در نزد افکار عمومی، ناسازگاری ضروری بین دموکراسی و حکومت اسلامی وجود ندارد؛ به عبارت دیگر، با توجه به نارضایتی عمیق از ترتیبات سیاسی موجود، بسیاری ممکن است از آلت‌رناتیوی حمایت کنند که اصول اسلامی عدالت و حمایت از ضعفا را با یکدیگر تلفیق کند. الگوی آخری که شایسته تفسیر است رابطه معکوس بین خواست رهنمودهای اسلامی در امور اقتصادی و تجاری با گرایش‌های موافق دموکراسی در میان زنان در مراکش و الجزایر است. با وجود این که مجموعه داده‌های دیگر در پژوهش حاضر حاوی معیارهایی نیست که به واسطه آن این رابطه کشف شود؛ اما این یافته‌های همسان و غیر منتظره از دو کشور شمالی آفریقا حاکی است که این الگو ممکن است قابل تعمیم باشد. به احتمال زیاد زنان از وضع کنونی اجتماعی اقتصادی نارضی و ناخشنودند و از این رو طرفدار سیاست‌هایی هستند که به وسیله ارزش‌هایی که آنها را به اسلام پیوند می‌دهند، هدایت می‌شوند، نظیر عدالت، مساوات، رفاه اجتماعی و حمایت از ضعیفان. در صورت صحت، این امر می‌تواند بستگی بیشتر زنان به نیازهای خانواده یا احتمالاً موقعیت اجتماعی و اقتصادی فروتر نسبت به مردان را انعکاس دهد. بر مبنای یافته‌های مراکش و الجزایر به نظر می‌رسد که این امور موضوعاتی باشند که شایسته مطالعه بیشتر است. نکته دیگر این که مطالعه حاضر تا اندازه‌ای و نه کاملاً با یافته‌های تحقیقاتی که در ایالات متحده و اروپا انجام گرفته سازگار است. در این باره به چندین زمینه مشابه می‌توان اشاره کرد: جهت‌گیری‌های مذهبی در بیشتر مواقع از گرایش‌های سیاسی لیبرال به دورند، یافته‌ها از یک مکان تحقیقی تا مکان تحقیقی دیگر فرق می‌کند و حاکی از این هستند که ماهیت و گستره تأثیر مذهب بر گرایش‌های سیاسی احتمالاً تحت



تأثیر ویژگی‌های سطح - سیستمی هستند، و مذهب در میان زنان از قدرت تبیین‌کنندگی بیشتری نسبت به مردان برخوردار است. این مشابهت‌ها حاکی است عواملی که جهان عرب را از ایالات متحده و اروپا متمایز می‌سازند ممکن است تا جایی که به تأثیر و نفوذ مذهب بر گرایش‌های سیاسی مربوط می‌شود، از اهمیت کمی برخوردار باشد.

در نتیجه‌گیری فرعی، پژوهش حاضر همچنین بیان‌گر این نکته است که جهت‌گیری‌های مذهبی اغلب با گرایش‌های سیاسی، آن‌گونه که در مورد ایالات متحده و اروپا بروز کرده، ارتباط ندارد. علی‌رغم وجود چندسانی در یافته‌های هر منطقه، مقایسه منطقه‌ها حاکی است که مذهب در اغلب مواقع و به صورتی همساز بر جهت‌گیری‌های سیاسی در غرب تأثیر می‌گذارد تا در جهان عرب. این امر ممکن است به این دلیل باشد که سطوح دین‌داری شخصی در جهان عرب بسیار بالاست و نیز به دلیل وجود یک پیوند مشروع قوی و تاریخی بین اسلام و سیاست، که جهت‌گیری‌های سیاسی را برای تمایز بخشیدن میان افراد با تمایلات سیاسی ناهمگن کم‌ثمر می‌کند. اگر درست باشد، این امر منجر به فرضیه‌ای می‌شود که مذهبی بودن را به رده سیستمی می‌افزاید و قید و شرطی را فراهم می‌سازد که روابط بین مذهب و سیاست را در سطح فردی تحت تأثیر می‌گذارد. به ویژه در حالی که مذهبی بودن در اغلب موارد محافظه‌کاری سیاسی را در بیشتر جوامع سکولار ترغیب می‌کند، اما این امر در بیشتر جوامع مذهبی کمتر به صورت مکرر و منسجم روی می‌دهد.

مطالعات نظری بیشتر، مانند پژوهش در دیگر سطوح تحلیل، به منظور رسیدن به فهم کامل‌تر این که آیا و چگونه اسلام بر آینده تحولات دموکراتیک در جهان عرب تأثیر می‌گذارد، ضروری است. مطالعه حاضر امید دارد که در این راستا مشوق و گامی به جلو برداشته باشد و در عین حال هم‌زمان سهمی در تحلیل منطقه‌ای - متقاطع و فزاینده علمی داشته باشد. در این اثنا شواهدی که اکنون از فلسطین، مراکش، الجزایر و مصر در دسترس است حاکی است که اسلام مانعی برای فرآیند دموکراتیک‌سازی که برخی متفکران غربی و دیگران مدعی آن هستند، نیست. یک فرهنگ دموکراتیک، مدنی و مشارکت سیاسی در واقع برای دموکراسی کامل ضروری می‌باشد؛ اما مطالعه حاضر بر آن است که فقط تا اندازه بسیار محدودی دلبستگی‌های اسلامی شهروندان عادی عرب از ظهور چنین فرهنگ سیاسی‌ای جلوگیری می‌کند.

جدول شماره ۱

گزاره‌هایی که برای ارزیابی طرز تلقی‌ها از اسلام و دموکراسی در مراکش، الجزایر، فلسطین و مصر به کار برده شده‌اند.

فلسطین ۱۹۹۵ (کرانه باختری و غزه)

طرز تلقی‌ها از دموکراسی

- ۱- مسؤولیت‌پذیری بیشتر حکومت بسیار حائز اهمیت است.
- ۲- آزادی مطبوعات بدون سانسور حکومت بسیار حائز اهمیت است.
- ۳- انتخابات عادلانه و منظم اهمیت بسیاری دارد.
- ۴- وجود پارلمانی انتخابی که نماینده تمام گرایش‌های سیاسی باشد دارای اهمیت بسیاری است.

دین‌داری شخصی

- ۱- نماز خواندن به طور منظم
- ۲- خود را مذهبی دانستن
- ۳- مراعات تمامی الزامات مربوط به پرهیزهای مذهبی اسلام و سیاست:
- ۱- مردان مذهبی باید نقش اصلی و مهمی در سیاست داشته باشند.
- ۲- اسلام آن یگانه مذهبی است که فلسطینیان به واسطه آن می‌توانند به حقوق خود دست یابند.
- ۳- حمایت و پشتیبانی از احزاب سیاسی اسلامی.
- ۴- حمایت از استقرار دولتی بر مبنای خلافت اسلامی.

مراکش و الجزایر ۶ - ۱۹۹۵

طرز تلقی‌ها از دموکراسی

- ۱- مدارا و تحمل ایده‌های سیاسی مختلف محکی با اهمیت برای رهبری ملی است. (جایگاه اول یا دوم در فهرستی که شامل تجربه، احساس عدالت، بی‌نقصی و حساسیت بشری است).
- ۲- توسعه نهادهای دموکراتیک اولویت اصلی برای حکومت است. (جایگاه اول و دوم در فهرستی که شامل رفاه اقتصادی، آرامش و همدلی مدنی، و پاسداری از ارزش‌های سنتی است).

دین‌داری شخصی

- ۱- نماز خواندن به طور منظم
 - ۲- مشورت با امام یا فقیه در صورت داشتن مشکل شخصی
 - ۳- خواندن آثار مذهبی در اغلب مواقع (تنها در مورد مراکش)
- اسلام و امور عمومی



- ۱- باور به این که مذهب باید امور سیاسی و حکومتی را راهبری کند.
- ۲- باور به این که مذهب باید امور اقتصادی و تجاری را راهبری کند.

مصر ۱۹۸۸

طرز تلقی ها از دموکراسی

- ۱- حکومت پارلمانی نظام سیاسی برتر است.
- ۲- ترجیح لیبرال دموکراسی به ناسیونالیسم عرب، سوسیالیسم و حکومت اسلامی.
- ۳- ترجیح نظام سیاسی رقابتی در راستای الگوی ایالات متحده و اروپا.
- ۴- مخالفت با این مطلب که ارزش های غربی در حال فرسایش اخلاقی جوامع ما هستند.

دین داری شخصی

- ۱- مراجعه به تعالیم مذهبی در هنگام اتخاذ تصمیمات مهم زندگی
- ۲- خواندن مکرر قرآن
- ۳- نماز خواندن به طور منظم
- ۴- مراعات تمام الزامات مربوط به پرهیزهای مذهبی

اسلام و سیاست

- ۱- مذهب و سیاست نباید از هم جدا باشند.
- ۲- مخالفت با این مطلب که مذهب مسأله ای خصوصی است.
- ۳- طرفداری و حمایت از بیداری مذهبی که اکنون در جامعه متداول است.
- ۴- حمایت و پشتیبانی از جنبش های سازمان یافته مذهبی کنونی.

مصر ۱۹۹۲

طرز تلقی ها از دموکراسی

- ۱- داشتن انتخابات پارلمانی آزاد در کشور بسیار حائز اهمیت است.

اسلام و سیاست

- ۱- کشور ما همواره باید با قوانین و ارزش های اسلامی راهبری و هدایت شود.

جدول شماره ۲

اهمیتی که در مراکش، الجزایر، فلسطین و مصر برای دموکراسی قائل شده‌اند.

فلسطین ۱۹۹۵

بسیار مهم است: ۱۶/۸ درصد

تا اندازه‌های مهم است: ۴۳/۳ درصد

مهم نیست: ۳۹/۹ درصد

مراکش ۶ - ۱۹۹۵

بسیار مهم است: ۱۸/۶ درصد

تا اندازه‌های مهم است: ۲۶/۴ درصد

مهم نیست: ۵۵/۰ درصد

الجزایر ۶ - ۱۹۹۵

بسیار مهم است: ۵/۵ درصد

تا اندازه‌های مهم است: ۳۲/۸ درصد

مهم نیست: ۶۱/۷ درصد

مصر ۱۹۸۸

بسیار مهم است: ۱۳/۲ درصد

تا اندازه‌های مهم است: ۲۲/۱ درصد

مهم نیست: ۶۴/۷ درصد

مصر ۱۹۹۲

بسیار مهم است: ۳۸/۶ درصد

تا اندازه‌های مهم است: ۳۹/۸ درصد

مهم نیست: ۲۱/۶ درصد

جدول شماره ۳

رگراسیون چند متغیری تأثیر و نفوذ جهت گیری‌های اسلامی را برگرایش به دموکراسی در فلسطین نشان می‌دهد.

نمونه کلی	مردان	زنان	
دین داری شخصی	۰/۱۳ (۳/۷۷)xxx	۰/۵۳ (۱/۰۴)	۰/۱۲ (۲/۵۲)xxx
اسلام و سیاست	۰/۲۶ (۰/۷۶)	۰/۰۲ (۰/۴۶)	۰/۰۵ (۱/۰۵)
آموزش	۰/۱۲ (۳/۷۰)	۰/۰۹ (۱/۹۵)	۰/۱۰ (۲/۱۵)
سن	۰/۱۴ (۴/۲۸)xxx	۰/۱۲ (۲/۸۱)xxx	۰/۰۹ (۱/۹۵)x
پایایی	۰/۴۳ (۳۸/۴۳)xxx	۰/۵۰ (۲۶/۰۵)xxx	۰/۴۸ (۲۴/۴۸)xxx

توجه: جدول ضرایب استاندارد شده (ساختاربتا) را نشان داده و آمارهای تی را در پرانتزها ارائه کرده است.
*p < .05, **p < .02, ***p < .01

مردان کرانه باختری	زنان کرانه باختری	مردان غزه	زنان غزه	
دین داری شخصی	۰/۰۵ (۰/۷۰)	۰/۱۵ (۲/۵۰)xxx	۰/۱۱ (۱/۳۰)	۰/۰۵ (۰/۶۷)
اسلام و سیاست	۰/۰۸ (۰/۱۸)	۰/۰۰ (۰/۱۳)	۰/۱۰ (۱/۲۱)	۰/۱۵ (۱/۹۰)
آموزش	۰/۱۳ (۲/۳۰)xx	۰/۱۱ (۱/۹۵)x	۰/۰۲ (۰/۳۲)	۰/۰۶ (۰/۷۶)
سن	۰/۰۹ (۱/۵۳)	۰/۱۰ (۱/۷۱)	۰/۲۲ (۳/۱۷)xxx	۰/۰۹ (۱/۰۴)
پایایی	۰/۲۷ (۲۲/۲۷)xxx	۰/۹۷ (۲۰/۹۷)xxx	۰/۳۷ (۱۳/۳۷)xxx	۰/۵۱ (۱۲/۵۱)xxx

توجه: جدول ضرایب استاندارد شده (ساختاربتا) را نشان داده و آمارهای تی را در پرانتزها ارائه کرده است.
*p < .05, **p < .02, ***p < .01

جدول شماره ۴

رگرسیون چند متغیری تأثیر و نفوذ جهت‌گیری‌های اسلامی بر گرایش به دموکراسی در مراکش را نشان می‌دهد.

نمونه کامل	نمونه کامل	تنها مردان	تنها زنان	
-/۰۱	۰/۰۰	۰/۰۱	۰/۰۰	دین‌داری شخصی
(- /۳۷۸)	(- /۰۸)	(۰/۲۴)	(- /۰۹)	رهنمودهای اسلامی
(- /۰۹)				در امور عمومی
(-۲ /۵۰)xx				۱- در امور سیاسی
	-/۰۶	-/۱۱	-/۰۱	و حکومتی
	(-۱/۲۳)	(-۱/۶۷)	(-۱/۱۵)	۲- در امور اقتصادی
	-/۱۲	-/۰۸	-/۱۵	و تجاری
	(-۲/۴۳)xx	(-۱/۲۰)	(-۲/۱۷)	آموزش
۰/۴۰	۰/۳۸	۰/۴۰	۰/۳۱	
(۱۰ /۷۰)xxx	(۹ /۷۵)xxx	(۷ /۵۴)xxx	(۵ /۳۶)xxx	
-/۰۵	۰/۶	۰/۳	۰/۱۱	سن
(-۱/۳۷)	(-۱/۴۸)	(- /۵۸)	(-۲/۰۰)xx	
(۱۹/۰۷)xxx	(۱۸/۲۴)xxx	(۱۲/۰۲)xxx	(۱۳/۸۶)xxx	پایایی

توجه: جدول ضرایب استاندارد شده (ساختاربتا) را نشان داده و آمارهای تی را در داخل پرانتزها ارائه کرده است.
 $p < .05$, $p < .02$, $p < .01$



جدول شماره ۵

رگرسیون چند متغیری تأثیر و نفوذ جهت‌گیری‌های اسلامی بر گرایش به دموکراسی در مراکش را نشان می‌دهد.

نمونه کامل	نمونه کامل	تنها مردان	تنها زنان	
۰/۰۶	۰/۰۶	۰/۰۳	-/۱۵	دین‌داری شخصی
(-۱/۵۵)	(-۱/۶۰)	(۰/۵۲)	(-۲/۸۲)xxx	رهنمودهای اسلامی
(- /۰۹)				در امور عمومی
(-۲/۵۴)xxx				اِدر امور سیاسی
۰/۰۹	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۱	و حکومتی
(۲/۲۲)xxx	(۰/۰۹)	(/۱۳)	(۰/۲۲)	۲- در امور اقتصادی
۰/۰۳	۰/۱۱	-/۰۶	-/۱۵	و تجاری
(۲/۳۶)xxx	(-۲/۵۳)xxx	(- /۹۰)	(-۲/۵۶)xxx	آموزش
(۲/۲۲)xxx	۰/۱۰	۰/۰۹	۰/۱۱	سن
-/۰۳	(۲/۳۶)xxx	(۱/۴۱)	(۱/۹۳)	پایایی
(۰/۷۷)	۰/۰۴	۰/۰۷	۰/۰۳	
(۴/۹۰)xxx	(۰/۰۳)	۱/۰۳	(- /۴۶)xx	
	(۴/۳۷)xxx	(۴/۳۲)xxx	(۱/۸۹)xxx	

توجه: جدول ضرایب استاندارد شده (ساختاربتا) را نشان داده و آمارهای تی را در داخل پرانتزها ارائه کرده است.
 $p < .05$, $**p < .02$, $***p < .01$

جدول شماره ۶

رگرسیون چند متغیری تأثیر و نفوذ جهت‌گیری‌های اسلامی برگرایش به دموکراسی در مراکش را نشان می‌دهد.

	تنها زنان	تنها مردان	نمونه کامل	
دین‌داری شخصی	۰/۳۳	۰/۱۱	-/۲۰	
	(-۲/۸۷)xxx	(-۱/۲۳)	(-۲/۸۱)xxx	
اسلام و سیاست	۰/۰۰	۰/۰۰	-/۳۰	
	(- /۰۲)	(- /۰۸)	(- /۴۲)	
آموزش	۰/۲۳	۰/۱۰	۰/۱۰	
	(۲/۴۵)xx	(۰/۶۷)xxx	(۱/۵۴)	
سن	۰/۰۳	۰- /۱۲	- /۱۰	
	(۰/۲۷)	۱/۲۸)	(-۱/۴۱)	
پایایی	(۹/۵۲)xxx	(۱۰/۳۳)xxx	(۱۵/۲۶)xxx	

توجه: جدول ضرایب استاندارد شده (ساختاربتا) را نشان داده و آمارهای تی را در داخل پرانتزها ارائه کرده است.
*p<.05, **p<.02, ***p<.01

جدول شماره ۷

رگرسیون چند متغیری تأثیر و نفوذ جهت‌گیری‌های اسلامی برگرایش به دموکراسی در مراکش را نشان می‌دهد.

	تنها زنان	تنها مردان	نمونه کامل	
اسلام و سیاست	۰/۰۹	۰/۰۴	- /۰۷	
	(-۱ /۱۱)	(- /۵۶)	(-۱/۲۸)	
آموزش	۰/۰۴	۰/۱۶	۰- /۱۱	
	(۰/۵۰)xx	(۲/۲۱)x	(۲/۱۳)x	
سن	- /۰۲	۰/۰۱	۰/۰۰	

(۰/۰۰) ۰/۲۰) (۰/۲۶)

(۱۸/۹۸)xxx (۱۴/۴۰)xxx (۱۱/۵۷)xxx

پایایی

توجه: جدول ضرایب استاندارد شده (ساختاریتتا) را نشان داده و آمارهای تی را در داخل پرانتزها

* $p < .05$, ** $p < .02$, *** $p < .01$

ارائه کرده است.

